

راهکارهای گسترش عدالت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه و مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَام

زینب طیبی^۱ (نویسنده مسئول)

زهرا کهوری^۲

سلیمه سالاری پور^۳

چکیده

عدالت اجتماعی، یکی از اهداف اصلی پیامبران و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام برای تشکیل جامعه توحیدی و سعادت‌مند بوده است که به منظور حفظ حقوق همه‌ی مردم باید در جامعه اجرا شود. این مسئله نه تنها در میان مسلمانان از اهمیت زیادی برخوردار است، بلکه اندیشمندان غرب و شرق نیز به آن پرداخته‌اند. حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان زمامدار و حاکم جامعه اسلامی، این مهم را در جامعه اسلامی آن روز اجرا کرده و همواره کارگزاران را به رعایت آن دستور داده‌اند و راهکارهایی را بیان کرده‌اند. مقام معظم رهبری نیز به عنوان یک

۱. استاد یار علوم و قرآن حدیث دانشگاه فرهنگیان، تهران، Ztayyebi62@gmail.com

۲. دانش‌آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه الزهراء عَلَيْهَا السَّلَام بندرعباس، z.kahoori@chmail.ir

۳. دانش‌پژوه سطح ۳ کلام با گرایش امامت موسسه آموزش عالی حوزوی فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَام بندرعباس
Salime.s@chmail.ir

رهبر که پیرو مکتب اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است، با تأسی از سیره علوی، این راهکارها را به مردم و مسئولین گوشزد نموده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که از جمله ی این راهکارها که مربوط به مردم و مسئولین است عبارت اند از: توجه به تعالیم اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فقر، فساد، تبعیض که اجرای آن ها در بطن جامعه، عدالت اجتماعی را در پی خواهد داشت. این تحقیق از نوع تحلیلی - توصیفی و به روش کتابخانه ای است.

کلید واژگان: عدالت اجتماعی، نهج البلاغه، جامعه اسلامی، امام خامنه ای (مدظله العالی).

مقدمه

عدالت، مفهومی است که کانون توجه اندیشمندان و ادیان الهی قرار گرفته و همواره به عنوان یکی از والاترین آرمان‌ها و اهداف بشر در طول تاریخ بوده است. مفهومی اساسی و پر اهمیت که در زندگی اجتماعی انسان‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تا بدان جا که تقریباً هیچ یک از اندیشیدن، از تلاش در جهت تحقق آن باز نایستاده‌اند و برای دستیابی به آن رنج‌ها کشیده و جان‌ها فدا کرده‌اند.

علت بسیاری از انقلاب‌ها فقدان عدالت اجتماعی در جامعه است. به همین دلیل تمام مصلحان بشری و انسان‌های آزاده‌ی تاریخ با اندیشه‌ی عدالت، حرکت‌های اصلاحی را آغاز نموده‌اند و یکی از اهداف اصلی انقلاب و تحرکات اجتماعی خود را رفع تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی قرار داده‌اند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «عدل در عرصه‌های اجتماعی همانند سپر نگهبانی است که افراد در پناه آن از تعدی دیگران محفوظند و مانند بهشت پایداری است که همواره از نعمت آن برخوردارند».

امام خامنه‌ای مد ظله العالی نیز به عنوان یک رهبر که پیرو مکتب اسلام و اجداد خود است برای برقراری عدالت در جامعه بسیار تلاش کرده و می‌کنند و راه‌حلی را در این مسیر برای مردم و مسئولان بیان کرده‌اند. برای رسیدن به عدالت اجتماعی باید از راهنمایی‌های ایشان استفاده کرد.

در این زمینه کتب و مقالاتی از جمله؛ عدالت اجتماعی از نگاه مقام معظم رهبری، آزادی و عدالت اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری، عدالت و توسعه از منظر رهبری، راهکارهای گسترش عدالت اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه، عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام و... نوشته شده که همه این کتب و مقالات به طور جداگانه به این موضوع پرداخته‌اند، اما محقق بر آن است تا در این تحقیق به طور تلفیقی و از نگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) و نهج‌البلاغه به آن پردازد.

عدالت در معارف الهی و بشری در تمامی حوزه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، حقوقی،

اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی و مانند آن قابل بحث است، اما این تحقیق، به راهکارهای عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه و مقام معظم رهبری پرداخته است. این تحقیق از حیث گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از حیث روش پردازش توصیفی است.

۱. مفهوم شناسی

در ابتدا به مفهوم شناسی برخی عناوین از عناوین برای روشن شدن مباحث برای خواننده پرداخته شده تا ضمن خواندن مقاله مطالب ملموس و قابل فهم باشد.

۱.۱. عدالت در لغت

الْعَدَالَةُ وَالْمُعَادَلَةُ: لفظی است که در حکم و معنی مساوات است و به اعتبار نزدیک بودن معنی عدل به مساوات، در آن مورد هم به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، همان، ج ۲/ ۵۶۲)

عَدْلٌ در چیزهایی است که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود و تقسیط بر اساس راستی و کمال است. (راغب اصفهانی، بیتا، ج ۲/ ۵۶۱).

لسان العرب در معنای عدل این چنین آورده است: «الْعَدْلُ: ما قام في النفوس أنه مُستقيم، وهو ضدُّ الجور». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱/ ۴۳۰)

امام علی علیه السلام در تعریف عدل این چنین می‌فرمایند: «... الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا...». (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)

۲.۱. عدالت در اصطلاح

امام خمینی رحمته الله علیه عدالت را این گونه معنا کرده اند: «حد وسط بین افراط و تفریط است و آن از امهات فضایل اخلاقیه است». (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

اعتدال هر چند معنای عدالت نیست، اما با عدالت خیلی ارتباط دارد. انسان باید در استفاده از قوای نفسانی خود اعتدال را رعایت نماید و از زیاده روی و کوتاهی در کاربرد آن‌ها

بپرهیزد؛ زیرا افراط و تفریط هر دو رذیلت هستند و ظلم به حساب می‌آیند؛ زیرا یا از جای خود جلوتر یا عقب‌ترند. عدالت در این معنا اشاره به خط مستقیم و راه راست و حقیقت دارد که حرکت در آن، انسان را به سعادت می‌رساند. (استیری: ۱۳۹۳/ ۱۷)

۳.۱. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، عدالتی است که در کل جامعه به منظور حفظ حقوق همه‌ی مردم باشد (انوری، ۱۳۸۶، ج ۵ / ۴۹۷۷) و در جای دیگر آمده است، آن‌که نسبت به دیگران به انصاف عمل کند و درباره کسی ستم روا ندارد. (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۴ / ۲۱۳)

عدالت اجتماعی، عبارت است از احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی که جامعه برای تمام افراد در نظر می‌گیرد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۱۹۹)

امام علی علیه السلام عدالت اجتماعی را به معنای تدبیر عمومی گرفته و می‌فرماید: «الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ؛ عدالت، تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل است». (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)

اگر این تعریف و معنایی را که حضرت از عدالت اجتماعی ارائه دادند، در کنار تعاریف دیگر حضرت برای عدالت قرار دهیم می‌توان عدالت اجتماعی را از منظر امام علی علیه السلام این گونه تعریف نمود: عدالت اجتماعی عبارت است از تدبیر جامعه و امور مردم، به گونه‌ای هر چیزی در جای خویش قرار گرفته و حق کسی ضایع نگردد. (احمدی، ۱۳۹۲: ش ۱۸۴)

مقام معظم رهبری نیز در زمینه عدالت اجتماعی این چنین می‌فرماید: «فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف و امتیاز دادن به یک قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست. هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه‌ای از نقاط اگر به یکی از این آفت‌ها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی خارج شده و باید اصلاح شود». (بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت - ۱۳۸۴/۰۲/۱۷)

عدالت اجتماعی مفهوم وسیع تر از عدالت اقتصادی است و شرایطی را می‌رساند که در آن هر عضو جامعه بر مبنای میزان کارش، امکانات فکری و جسمانی از فرصت‌های متناسب در راه گسترش و شکوفایی توانایی‌های خود برخوردار می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۷۶، ج ۲ / ۷۰۷). این معنا مخالف نابرابری اجتماعی است نابرابری اجتماعی یعنی؛ شرایطی که در آن اعضاء مختلف یک جامعه درآمدها، امکانات و فرصت‌های متفاوتی دارند. نابرابری اجتماعی در همه جوامع دیده شده است و حتی بعضی از جوامع حیوانی نیز حائز آنند. از این رو است که اندیشه متفکران را از آغاز تاریخ به خود مشغول کرده است. (همان / ۷۶۷).

همچنین عدالت اجتماعی به معنای وسیع آن که شامل رعایت همه حقوق در همه امور اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، در واقع با معنای لغوی عدالت انطباق دارد؛ زیرا در همه این موارد تحقق عدالت منوط به رعایت استحقاق‌ها و عطاء حقوق افراد و اجتماع در ابعاد یاد شده می‌باشد.

۴.۱. عدالت فردی و اجتماعی

وظایف و تکالیف افراد گاهی فردی و گاهی اجتماعی است. همان‌طور که تقوا نیز به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود. درباره‌ی عدالت نیز همین مساله مطرح است؛ یعنی انسان باید در زندگی فردی دارای ملکه عدالت باشد. در جامعه هم باید به گونه‌ای باشد که هر کس بتواند به حق خود برسد و به کسی، حتی دشمنان هم ظلم نشود.

امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی خلخال از پای زن یهودی ربوده می‌شود تأسف می‌خورد و می‌فرماید: «اگر برای این حادثه‌ی تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است». (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) تعارف نمی‌کند بلکه از جامعه اسلامی چنین انتظاری دارد که حتی در باره‌ی یک زن یهودی، در پناه جامعه اسلامی عدالت رعایت شود.

در اسلام رابطه‌ی تنگاتنگی میان عدالت فردی و اجتماعی وجود دارد. از دیدگاه اسلام،

پیدایش عدالت فراگیر اجتماعی در گرو تحقق عدالت فردی در آحاد جامعه است؛ این بدان معناست که برآیند تعادل مهره‌های یک مجموعه به تعادل کل آن منتهی می‌شود. عدل مقابل ظلم است - به قول منطقیان این دو عدم و ملکه‌اند - کسی که ظالم باشد، عادل نیست و از آنجا که ارتکاب معصیت، ظلم به نفس تلقی می‌شود، فرد گناه کار برای هر گونه ظلم اجتماعی آمادگی روانی لازم را خواهد داشت؛ زیرا معمولاً کسی که حقوق خودش را پاس ندارد، حقوق دیگران را نیز ارزشمند نمی‌شمرد. آنجا که حتی حس صیانت نفس هم نمی‌تواند جلودار خوی تجاوزگری و سرکشی حیوانی انسان باشد، اهرم‌های کنترل این تعدی طلبی نسبت به دیگران، چندین کاراً نمی‌نماید. بر این اساس، رتبه‌ی «تحقق عدالت فردی» بر «ایجاد عدالت اجتماعی» مقدم است. (هاشم العمیدی، ۱۳۸۶: ۲۸۷).

۲. راهکارهای گسترش عدالت اجتماعی

راهکارها، پیشنهادات و مقدماتی هستند که برای رسیدن به عدالت اجتماعی بدان نیاز است. برخی از این پیشنهادات و مقدمات یا مربوط به بعد فردی اشخاص است یا مربوط به جامعه است که باید پیش از هر اقدامی، آن شرایط را در خود داشته باشد در زیر به برخی از مهمترین راهکارهای فردی گسترش عدالت اجتماعی از نگاه نهج‌البلاغه و مقام معظم رهبری اشاره می‌شود:

۱.۲. راهکارهای فردی

۱۱.۲. توجه به تعالیم اسلام

این نظام جز با رعایت تقوا و طهارت و محاسبه‌ی دقیق و حسابرسی هر فرد از خودش پیش نخواهد رفت. هیچ کس مصون و معصوم از بروز فساد نسیت حتی انسان‌های صالح و انسان‌های مؤمن، همانگونه که در روایت آمده: «والمخلصون فی خطر عظیم؛ مخلصین در خطر بزرگی هستند». (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۲ / ۲۶۸)

بنابراین ریشه واقعی انحراف از عدالت اجتماعی، همان پیروی از هوای نفس است که در گفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) این چنین آمده است: «أما اتباع الهوى فيصُدُّ

عن الحق؛ هوا پرستی شما را از حق باز می‌دارد». (قمی، ۱۴۱۴: ۱/۱۲۲).

امام علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيَ الْهَوَى؛ اولین قدم در راه عدالت این است که هوا و هوس را از خودش دور کند». (نهج البلاغه / خ ۸۷).

امام خامنه‌ای (دام‌ظله) نیز تقوا را منشأ عدالت اجتماعی می‌داند و می‌فرماید: «نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد و جار مجرای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هر کس بخواهد در محیط زندگی مردم منشأ عدالت بشود، اول باید در درون خود تقوای الهی را رعایت کند. تقوا؛ یعنی مراقبت برای خطا نکردن... انسانی که مراقب خود نیست و در عمل و کلام و زندگی شخصی خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است نمی‌تواند در محیط جامعه منشأ عدالت اجتماعی باشد». (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3057>)

۲.۱.۲. صبوری در اجرای عدالت

مسئله عدالت اجتماعی و برپایی آن یکی از مسائلی است که از دیرباز مورد توجه ائمه و غالب مردم بوده است و این بزرگواران تلاش زیادی برای برپایی آن در جامعه کرده‌اند؛ اما از آن جا که در هر عصر و زمانی در مقابل دوستان اسلام، دشمنانی قسم خورده نیز وجود دارند، برپایی این مهم امری بسیار دشوار بوده و تحقق آن جز در سایه صبوری مردم امکان پذیر نیست؛ چرا که صبر و تحمل نتیجه پیشرفت کارها است و اسلام که مکتب مرفعی و پیشرو جهان است به این عامل، توجه فراوان دارد و آن را رمز تکامل اجتماعات می‌داند، به همین جهت صبر را در متن حرکت انسان قرار می‌دهد؛ چرا که انسان با هدف و مؤمن، بدون صبر نمی‌تواند باشد که صبر لازمه ایمان و هدف داری است. (قرائتی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه صبر را این چنین به امام حسن علیه السلام ترسیم می‌کنند: «... عَوْدُ نَفْسِكَ [الصَّبْرُ] التَّصَبُّرُ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَ نِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ...؛ خویشتن را بر صبر بر آنچه ناپسند است عادت ده و شکیبیا بودن در راه حق چه خوبی نیکویی است».

(نهج البلاغه، نامه ۳۱).

از جمله کارهای حق نیز، گسترش عدالت است که ینا به فرموده‌ی حضرت علی علیه السلام باید بر آن شکیب حق را به صاحب حق، هرکس که باشد، دور یا نزدیک، پرداز و در این کار شکیبا باش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار.»

در سخنی از رهبر معظم انقلاب، صبوری در تحقق عدالت اجتماعی به خوبی روشن می‌شود، ایشان می‌فرمایند: «آینده بسیار روشنی پیش روی ماست، که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ای که ملت ایران توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد و هم به استقلال کامل دست یابد. از روز اول پیروزی انقلاب، ما به سمت این آینده حرکت کردیم و به اعتقاد من قسمت‌های سخت ترش را پشت سر گذاشته ایم، نمی‌گویم بدون تحمل زحمت می‌شود به آن آینده رسید؛ اما می‌گویم با حفظ وحدت و ایمان و انگیزه و ادامه حرکت، می‌توان به آن دست یافت». (خامنه‌ای، ۱۳۸۰: ۱۵).

از این سخن نورانی رهبر انقلاب، صبوری برای تحقق همه آرمان‌های انقلاب که از جمله آن‌ها عدالت اجتماعی است به خوبی روشن می‌شود.

امام خمینی (قدس سره) نیز می‌فرمایند: «نترسید، صبور باشید، قوی باشید... ما می‌خواهیم حق را پا بر جا کنیم، ما می‌خواهیم عدالت درست کنیم... نه این عدالتی که شاه می‌فرماید... مشکلات با صبر حل می‌شود».

۳.۱.۲. بالا بودن سطح آگاهی

نکته‌ی مهم دیگر، آن که اجرای عدالت، مستلزم برخورداری جامعه از بلوغ عدل‌پذیری است. منظور از بلوغ عدل‌پذیری، آمادگی برای استقرار عدالت و حمایت از حکومت عدل است. این بلوغ را می‌توان برحسب میزان توانایی مردم در ادراک حقیقتِ عدل و بازشناسی آن از ظلم و میزان تمایل آنان به احقاق حق و امحای باطل، مورد ارزیابی قرار داد. با تأمل در نهج البلاغه، ملاحظه می‌شود که تشکیل حکومت عدل در میان مردم نابالغ میسر نیست؛

زیرا حکومت عدل باید توسط خود مردم و با اشتیاق آنان شکل بگیرد و در میان آنان جاری شود. (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲ / ۲۵۶).

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، عدالت را دارای چهار شعبه می‌داند که یکی از شعبه‌های آن علمی است که حقایق را دریابد: «... غَوْرُ الْعِلْمِ...». (نهج البلاغه، نامه ۳۱). بنابراین طبق این سخن امام می‌توان عدالت را این گونه تعریف کرد: علمی که حقایق را دریابد و صاحب این علم فرد آگاه و عالم به حقایق است و توسط این اشخاص عالم و آگاه به حقایق است که عدالت در جامعه برپا می‌شود.

امام علی علیه السلام به دنبال برپایی عدالت اجتماعی بودند؛ اما به دلیل پایین بودن سطح آگاهی مردم، نتوانستند آن را اجرا کنند. همچنان که انبیای الهی همگی برای بسط عدالت تلاش کردند، اما در این راه، توفیق چندانی به دست نیاوردند؛ زیرا خرد و فطرت مردم در چنگال هوا پرستی گرفتار شده بود و از شناخت حقیقت دور شده بودند. (جمعی از نویسندگان، همان / ص ۲۹۰).

مقام معظم رهبری (مد ظله) در این زمینه می‌فرمایند: «اگر بخواهید عدالت را به درستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه‌ی عقلانی و به کار گرفتن خرد و علم در بخش‌های مختلف، تا بفهمید چه چیزی می‌تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادادی می‌دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند». (بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3304>)

بنابراین با توجه به فرموده مقام معظم رهبری بدون علم و آگاهی، اجرای عدالت اجتماعی غیرممکن است.

در این زمینه اگر نگاهی گذرا به حکومت‌های جهانی افکنده، به روشنی دیده می‌شود که این حکومت‌ها با در دست داشتن امکانات بی‌حد و حصر تبلیغاتی و با نغمه‌های گوناگون و صداهای فریبنده، انسان‌ها را گیج و منگ می‌کنند و با تمام توان بر جهل و نادانی

آنان در شناخت حق از باطل پای می‌فشارند. (نبوی، ۱۳۷۸: ۵۳).

پس اساس استبداد و بی‌عدالتی بر جهل بنا شده است و جاهلان از حقوق خویش بی‌اطلاع‌اند، بنابراین مبارزه با جهل و ناآگاهی گامی در تحقق عدالت به شمار می‌رود. (کیخا، ۱۳۸۸: ش ۲۶).

۲.۲. راهکارهای اجتماعی

مهمترین بخش اجرای عدالت متوجه جامعه و مسئولین است که باید تمام سعی خود را در اجرای آن به کار برند تا حقوق همه ذی‌حقان به درستی اداء شود. از جمله راهکارهایی که باید در بعد اجتماع برای برپایی عدالت اجتماعی اجرا شود عبارت‌اند از:

۲.۱۲. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای است که همه کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در مقایسه با آن همچون قطره آبی نسبت به دریای پهناور است و در پرتو آن سایر واجبات برپا می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد و کار و کسب مردم شده و حقوق مردم ادا می‌شود و عدالت اجتماعی به وجود می‌آید.

آیات فراوانی در قرآن کریم در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر آمده است؛ از جمله در سوره آل عمران آمده است که خداوند می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...؛ شما بهترین امتی بودید که پدید آمده‌اید از این رو که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید». (آل عمران (۳)، آیه ۱۱۰)

نکته جالب توجه اینکه در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین امت معرفی شده‌اند که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده‌اند. مسلمانان تا زمانی یک امت ممتاز محسوب می‌شوند که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و گرنه اگر فراموش کردند نه بهترین امت هستند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود. (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱/ ۶۵).

امیرالمؤمنین علیه السلام درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرمایند: «وإنَّ الأمرَ بالمعروفِ و

النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ... أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِدٍ؛ در امر به معروف و نهی از منکر از همه مهم‌تر سخنی است که برای دفاع از (حق) عدالت در پیش روی حاکمی ستمکار گفته شود». (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴)

امام خامنه‌ای (مدظله) نیز در این باره می‌فرمایند: «یکی دیگر از سازوکارهای اجرای عدالت در جامعه، مسئولیت و نظارت همگانی است. افراد در قبال اعمال خود و دیگران مسئولند. بی‌اعتنایی به سرنوشت دیگران، بی‌اعتنایی به سرنوشت خود است؛ زیرا اگر فساد، گناه و فحشاء در جامعه شایع شود، آثار آن دامن‌گیر همه می‌شود». (رهبری و گفتمان عدالت، ۱۳۸۹: شماره ۲۸۱)

امام متقیان یکی از راه‌های از بین بردن فساد و بی‌عدالتی را امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند. اگر جامعه‌ای از ظلم و فساد پاک شود، عدالت جایگزین آن می‌شود و وقتی عدالت در جامعه برقرار باشد، آن جامعه از بهترین امت‌ها محسوب می‌شود. سیدالشهداء علیه السلام انگیزه‌شان از قیام، امر به معروف و نهی از منکر برای اقامه عدل در جامعه بود.

۲.۲.۲. دقت در انتخاب کارگزاران

یکی از کارهایی که باید از ناحیه مردم، برای تحقق عدالت اجتماعی صورت گیرد، دقت در انتخاب کارگزاران است؛ چرا که بخش عمده عدالت توسط آن‌ها در جامعه اسلامی پیدا می‌شود؛ چنان‌چه در سیره علوی نیز این مهم، به وضوح به چشم می‌خورد. یکی از عواملی که می‌توانست به اهداف حضرت علی علیه السلام در تحقق جامعه مطلوب خویش کمک نماید، انتخاب کارگزاران شایسته و صالح بود.

این امر، یکی از اصول مهم مدیریت ایشان به شمار می‌رفت. با تأمل در سخنان حضرت در نهج البلاغه مشخص می‌شود که او در انتخاب کارگزاران حکومت دقت لازم را به عمل می‌آورد و متناسب با نوع مسئولیت و وظیفه، ملاک و معیارهایی را در نظر می‌گرفته است. سپس به کارگزاران عالی‌رتبه خود نیز معیارهای لازم را در انتخاب عناصر تحت امر، توصیه

می‌نموده است.

امام علی علیه السلام، کارگزاران خود را در مسؤولیت‌های مختلف سیاسی، نظامی، مالی، اداری، قضایی و... بر اساس شاخصه‌هایی متناسب با سِمَت آنان انتخاب می‌کرد. علاوه بر معیارهای عمومی و مشترك در جنبه‌های عقیدتی و اخلاق فردی مانند عقیده به اسلام، ایمان، تقوا، حُسن سابقه و این قبیل ویژگی‌ها، معیارها و شاخصه‌های دیگری را در انتخاب کارگزاران رعایت می‌کرد تا با ایجاد نظام مدیریتی کارآمد و شایسته، امور مردم به بهترین شکل انجام شده و عدالت اجتماعی تحقق یابد. بدین صورت، ایشان دینداری و تعهد را با فضیلت‌گرایی و شایسته‌سالاری توأم نمود و کوشش کرد تا حکومت دینی در خدمت مردم را مستقر سازد.

حضرت در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر که به سبب عزل شدنش از حکومت مصر دلگیر شده بود دلایل عزل او و انتخاب مالک اشتر را به جای وی بیان نموده است. او در بیان ویژگی‌های مالک می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ وَلِيَّهُ أَمْرٌ مَضْرُوبٌ كَانَ رَجُلًا لَنَا نَاصِحًا وَعَلَى عَدُوِّنَا شَدِيدًا نَاقِمًا؛ همانا مردی را که فرماندار مصر قرار داده بودم نسبت به ما خیرخواه و به دشمنان ما سختگیر و درهم کوبنده بود.» (نهج البلاغه، نامه ۳۴).

در این نامه، موارد زیر از جمله معیارهای انتخاب مالک برای مسؤولیت فرمانداری مصر، ذکر شده است:

۱. خیرخواهی نسبت به رهبر و امام جامعه،
 ۲. صلابت و قدرت مقابله در برابر دشمن و عدم مسامحه و سازش با مخالفان،
 ۳. توانایی لازم برای انجام مسؤولیت. (ثواب، ص ۱۵۳-۱۵۴)
- مقام معظم رهبری در این زمینه چنین می‌فرماید: «مردم باید به کسانی رأی دهند که به آنها اعتماد و اطمینان دارند و می‌دانند که دچار انحراف و فساد نخواهند شد و برای اسلام، پیشبرد اهداف انقلاب و گسترش و تعمیق ارزش‌های انقلابی و نیز رفاه مردم کار و تلاش خواهند کرد.» (پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای به مناسبت آغاز سال نو؛ یکم فروردین ۷۵)

با توجه به سخنان حضرت علی علیه السلام و مقام معظم رهبری روشن می‌شود که انتخاب صحیح کارگزاران، گامی صحیح در پیشبرد اهداف جامعه اسلامی است و عدالت اجتماعی نیز که موجب تسریع این پیشبرد می‌شود جز با انتخاب شایسته امکان پذیر نیست.

۳.۲.۲. مبارزه با فقر

با توجه به دیدگاه اسلام درباره‌ی فقر و محرومیت، درباره‌ی ضرورت زدودن آن و ایجاد رفاه برای عموم افراد جامعه، تردیدی باقی نمی‌ماند؛ زیرا وجود فقر و محرومیت در جامعه نشان دهنده‌ی وجود ستم و حق‌کشی است. (باقری ۱۳۸۴: ۲۰۶).

عدالت ایجاب می‌کند که نظام اجتماعی در صدد زدودن و محرومیت‌ها از قشر محروم برآید و توزیع نامناسب امکانات را از میان بردارد. همچنین زندگی متوسط همراه با آبرومندی برای نیازمندیانی که به هر دلیل محروم و تهیدست شده‌اند، فراهم آورد. بر این اساس، هر حکومتی وظایف و مسئولیت‌هایی بر عهده دارد. وظیفه‌ی حاکمیت مبتنی بر اسلام و مستضعفان، تأمین نیازمندی‌های قشر پایین و فقیر جامعه و رسیدگی به وضع محرومان است. در نتیجه فقر را در سطح جامعه ریشه کن سازد. (همان، ۲۰۷) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی فقر می‌فرمایند: «الْفُقَرَاءُ مِحْنُ الْإِسْلَامِ؛ فقیران بلاهای اسلامند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶/۱۹۱).

امام خامنه‌ای (دام‌ظله) در خصوص رفع فقر می‌فرمایند: «هدف برنامه ریزان باید این باشد که... نباید در هیچ نقطه‌ای از کشور فقر وجود داشته باشد، باید عدالت برقرار باشد».

(حدیث ولایت، بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا، ۱۳۸۴/۰۳/۰۳). (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3291>)

امام خمینی (قدس سره) نیز قبل و بعد از تشکیل حکومت اسلامی، همیشه به فکر فقرا و محرومان بودند و فقر را آفت جامعه می‌دانند و می‌فرمودند: «حکومت اسلامی یک نظام عادلانه است... اساس کار از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی است». (خمینی،

صحیفه امام، ۵ / ۱۵۵).

۴.۲.۲. مبارزه با فساد

فساد نقطه‌ای مقابل صلاح است و به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود. در مفردات آمده است: «فساد هرگونه خارج شدن از حالت اعتدال است. کم باشد یا زیاد، نقطه مقابل آن صلاح است». بنابراین تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌گردد و همه افراط و تفریط‌ها در کل مسائل فردی و اجتماعی مصداق فساد است. (مکارم شیرازی، همان، ۱۰ / ۲۰۱).

کارشناسان مسائل امنیت ملی، داخلی و خارجی اعتقاد دارند که اگر بخواهند در جامعه ارتباط قوی و محکم در تمام جوانب داشته باشند باید در آن جامعه و نهادهای مربوط به آن فساد نباشد. (اهداف حکومت: ۱۳۸۷). نکته جالب آنکه در قرآن کریم در بسیاری از موارد فساد و صلاح در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. (سوره شوری/ ۱۵۲ و سوره بقره/ ۲۲۲).

این بدان معنا است که اگر بخواهیم اصلاحی را به وجود آوریم باید با فساد مبارزه کنیم و با وجود فساد اصلاحی صورت نمی‌گیرد. پیامبران الهی که به دنبال اصلاح جامعه بودند، همواره با هرگونه فساد مبارزه می‌کردند؛ چنانچه در قول شعیب پیامبر علیه السلام می‌خوانیم تنها هدف من این است تا آن جا که قدرت دارم به مبارزه با فساد برخیزم و اصلاح کنم. (مکارم شیرازی، همان: ۱ / ۲۰۴).

مقام معظم رهبری (حفظه الله) فساد را فلج‌کننده جامعه می‌دانند و می‌فرمایند: «در نظام اسلامی، چیزی که به شدت با آن مقابله می‌شود رسوخ فساد، جدی و فلج‌کننده است واقعا فلج‌کننده است!».

(بیانات در روز حکم تنفیذ ریاست جمهوری ۱۲ / ۵ / ۷۳)

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2678>)

برای رسیدن به اهداف اسلام و انقلاب اسلامی و برقراری عدالت اجتماعی باید از فساد

جلوگیری کرد البته کار آسانی نیست و نیاز به همت والای مسئولین دارد؛ همچنان که امام حسین علیه السلام فرمودند: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَلِكَ لِلَّهِ وَالسَّلَامِ؛ امام و پیشوا و رئیس جامعه‌ی اسلامی نمی‌تواند کسی باشد که اهل فسق و فجور و خیانت و فساد و دوری از خداست. باید کسی باشد که به کتاب خدا عمل کند؛ بلکه عمل به کتاب در جامعه را زنده کند. امر به قسط و عدل کند و حق را قانون جامعه قرار دهد». (مجلسی، همان: ۴۴ / ۳۳۵).

۵.۲.۲. مبارزه با تبعیض

ابعاد این مبارزه به شرح ذیل است.

۱.۵.۲.۲. مبارزه با تبعیض در اجرای قانون

برای تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها و پیشگیری از هرج و مرج و از هم پاشیدگی جامعه، به اهرمی به نام قانون نیاز است. اگر قانون به درستی وضع و اجرا گردد، جامعه به کمال و سعادت خواهد رسید. قانون ضامن بقا و سلامت جامعه است. (باقری، ۱۳۸۴: ۲۰۴).

البته باید به این نکته توجه کرد که در صورت ورود تبعیض به ساختار قانون، خود باعث هرج و مرج می‌شود. امام متقیان علی علیه السلام دخترش را که از بیت المال عاریه مضمونه گرفته، بازخواست می‌کند و می‌فرماید: «لَوْ كَانَتْ أَخَذَتْ الْعِقْدَ عَلَى غَيْرِ عَارِيَةٍ مَضْمُونَةٍ مَرْدُودَةٍ لَكَانَتْ إِذْنُ أَوَّلِ هَاشِمِيَّةٍ قُطِعَتْ يَدَاهَا؛ اگر عاریه مضمونه نبود تو اولین هاشمی ای بودی که دستت قطع می‌شد». (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰ / ۱۵۱).

۲.۵.۲.۲. مبارزه با تبعیض در بهره‌مندی از امکانات

اسلام در پی پدید آمدن اجتماعی عادلانه و متوازن است، تعادل و توازنی که در همه‌ی عرصه‌ها اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... خودنمایی داشته است. همه‌ی انسان‌ها در بهره‌مندی از نعمت‌های الهی باید دارای شرایط مساوی باشند و هرگاه در بهره‌مندی از امکانات طبیعی و خدادادی جامعه از فرصت‌هایی استفاده کنند که

دیگران از آن‌ها محروم باشند، ستم بزرگی است این مسأله نشان دهنده‌ی وجود روابط ناسالم در جامعه و توزیع ناعادلانه امکانات و منابع و زیربنای روابط استکباری و استضعافی است که پیامدهای ویرانگری را در پی خواهد داشت. (باقری، همان، ۱۳۷).

امام علی علیه السلام در نامه ۵۹ نهج البلاغه این چنین می‌فرماید: «اما بعد فان الوالی اذا اختلف هواه منعه ذلك كثيرا من العدل فليكن امر الناس عندك في الحق سواء فانه ليس في الجور عوض من العدل فاجتنب ما تنكر امثاله وابتذل نفسك فيما افترض الله عليك راجيا ثوابه و متخوفا عقابه؛ به راستی که وقتی خواسته‌های والی اختلاف کند، در دل و رفت و آمد کند، در بسیاری از موارد او را از عدل باز می‌دارد، می‌باید مردم نزد تو در حق برابر باشند (هر که، از هر جا، با هر صفت، با هر سمت، همه جا رعایت عدل کن) جور جانشین عدل نمی‌شود، جای عدل خالی می‌ماند. پس دوری کن از آنچه امثالش را ناپسند می‌شماری و خود را سهل و آسان و بی‌حساب در اختیار واجبات الهی بگذار. جز به ثوابش دل نبند و جز از عقابش بیم مدار». (نهج البلاغه، نامه ۵۹).

امام گوشزد می‌کند مردم در حق با تو برابر باشند و حق نیز همان عدالت است، بنابراین هیچ‌گونه تبعیضی در برپایی عدالت نباید وجود داشته باشد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی برای جلوگیری از ستم و ویرانی جامعه می‌فرماید: «ما الهام می‌گیریم که همه‌ی انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند بنابراین هر چیزی که برابری در جامعه را بر هم بزند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم سازند باید مبارزه کرد. (خمینی، همان، ۵ / ۳۸۹).

ایشان اذعان دارند که اگر بهره‌مندی از امکانات برای همه یکسان باشد به عدالت می‌رسیم و می‌فرماید: «... (امکانات) برای همه مهیا باشد برای یکی تشریفات و برای یکی هیچی نباشد، من امیدوارم که آقایان هر کجا هستند به این مطلب عنایت داشته باشند.» (همان، ج ۱۲، ص ۱۲۶) و «اگر در حکومت اسلام رئیس یا رعیت یکسان باشد ملت در پناه آن با آرامش و در سایه عدل زندگانی می‌کنند.» (همان، ۲ / ص ۳۴۸).

بنابراین توزیع امکانات باید همه جانبه باشد و کل مناطق کشور را دربرگیرد. بهره‌مندی عموم مردم از امکانات ضروری یک زندگی سالم و مناسب و راهکاری برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه می‌باشد.

۶.۲.۲. مبارزه با طبقاتی شدن جامعه

تفاوت غیر طبیعی و ایجاد شکاف میان فقرا و ثروتمندان در هر جامعه باعث به وجد آمدن تمایز یافتگی و گروه بندی‌های منزلتی می‌شود. این گروه بندی‌ها، زمانی که یک بخشی از جامعه به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته جمعی، میراث و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب و معاشرت با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشد، باعث ایجاد طبقه اجتماعی در آن جامعه می‌شود. (کوئن، ۱۳۷۶: ۲۳۹).

اصولاً شاخص مهم نابرابری و تشخیص آن در هر جامعه، وجود طبقات اجتماعی و میزان فاصله بین سطوح و اقشار مختلف است که بیشتر با ملاک قدرت و بیش از آن با ثروت مشخص می‌شود. تاکید شدید قرآن و روایات بر رفع تبعیض نامعقول و غیر معقول در جامعه است و وجود تفاوت‌ها و فواصل زیاد میان گروه‌های اجتماعی تهدید جدی قرار داده و آبادانی و رونق بیش از حد یک طبقه که جز با ویرانی طبقات زیر دست میسر نیست محکوم شده است. (جمعی از نویسندگان، همان / ۱۵۰).

قرآن کریم روح طبقاتی را مشکل بزرگ جامعه دانسته است و چنین مجتمعی هرگز روی آرامش نخواهد دید و همواره مملو از کینه، دشمنی، حسادت، کبر، غرور، ستم، خودکامگی، استکبار و هر گونه عوامل تباهی است. همین علل باعث مبارزه شدید پیامبران اسلام با چنین نظامی بوده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعَمُّهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يَجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ، وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفِرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ؛ باید که محبوبترین کارها در نزد تو، کارهایی باشد که با میانه

روی سازگارتر بوده و با عدالت دمسازتر و خشنودی رعیت را در پی داشته باشد؛ زیرا خشم توده‌های مردم، خشنودی نزدیکان را زیر پای بسپرد و حال آنکه، خشم نزدیکان اگر توده‌های مردم از تو خشنود باشند، ناچیز گردد».

حضرت در این نامه بیان می‌دارد که مسئول و کارگذار نباید تنها به خویشان توجه داشته باشد و رعیت را کنار زند؛ چرا که در این صورت باعث برتری یک طبقه بر طبقه دیگر می‌شود، که از آن نهی کرده اند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف و امتیاز دادن به یک قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست. هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه‌ای از نقاط اگر به یکی از این آفت‌ها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی خارج شده و باید اصلاح شود».

(۲۳/۴/۸).

این جدایی که برخلاف روح بشر و روح تمام قوانین آسمانی است برای هیچ مرد الهی قابل تحمل نبوده و نیست به همین علت امام خمینی (رحمة الله علیه) به عنوان پرچم‌دار اسلام در قرن اخیر با این موضوع مبارزه کرده‌اند و در این باره می‌فرمایند: «یک موی کوخ‌نشینان را به تمام کاخ‌نشینان نمی‌دهم و انقلاب اسلامی برای رفع اختلاف طبقاتی و تحقق حکومت قسط و عدل صورت گرفته است».

(خمینی، همان: ۳۴۲/۲۰).

ایشان شکاف طبقاتی را خطر بزرگی می‌دانند و در این باره می‌فرمایند: «اگر بخواهد این شکاف طبقاتی پیدا شود... آن روزی است که... مرگ همه‌ی ما و به باد رفتن همه‌ی نوامیس و به باد رفتن زحمت همه‌ی انبیاء است». با مطالعه‌ی مکتب سیاسی امام فهمیده می‌شود یکی از دغدغه‌های ایشان برقراری عدالت اجتماعی است و هر آنچه بخواهد مخالف اسلام و عدالت اجتماعی باشد با آن مبارزه می‌کند. بنابراین برای پیاده‌سازی عدالت اجتماعی در جامعه باید با شکاف طبقاتی مبارزه کرد.

مهم‌ترین جایگاه تجلی خدمت رسانی اجرای درست و کامل قوانین است. در این مرحله، موانع گوناگونی وجود دارد تا سد راه تحقق عدالت گردد و منافع عمومی را پایمال کند از این رو مجریان باید پس از شناخت حق و دریافت قانون بی‌هیچ سهل‌انگاری به اجرای آن پرداخته و هدف خواسته شده را برآورده کنند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۸۴).

عدل در جامعه باید به وسیله‌ی مدیران و مسئولان دنبال و اجرا شود و با تلاش بی‌وقفه و پیگیر آنان در جامعه تحقق یابد. هر فرد مسئول و مدیری در مورد اجرای عدالت باید خود را متعهد بداند نه آن‌که آن را دستخوش هوس‌های خود قرار دهند. (نبوی، ۱۳۷۸: ۵۴).

خدمت رسانی تنها باید با انگیزه‌ی الهی صورت گیرد. در نظام اسلامی، هر حرکت، سیاست، قانون و تلاشی، باید در خدمت مردم مستضعف و محروم باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام برای خدا و برا او کار می‌کرد و به درد مردم می‌رسید مردم را دوست می‌داشت و خدمت به آن‌ها را وظیفه‌ی خود می‌دانست. (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۴۳).

برای رسیدن به عدالت، مسئولان باید وظایف شرعی خود را به خوبی بشناسند و بر اساس آن عمل کنند. (نبوی، همان، ۲۹).

مسئولان باید برای آحاد جامعه زمینه‌برخورداری از حقوقشان در همه‌ی ابعاد را فراهم کنند همه حق استفاده از اموال و امکانات عمومی را به طور مساوی داشته باشند. (جمعی از نویسندگان، ۱۸۸).

امیرالمؤمنین علیه السلام علاوه بر حضور پررنگ خود در میدان و خدمت به مردم، مدیران و استانداران خویش را به خدمت رسانی توصیه می‌کردند، چنان‌که مالک اشتر را به عمران و آبادانی مصر سفارش کردند و طی نامه‌ای به «قثم بن عباس» استاندار مکه چنین نگاشتند: «وَأَنْظُرْ إِلَىٰ مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَىٰ مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَالْمَجَاعَةِ، مُصِيبًا بِهِ مَوَاضِعَ الْفَاقَةِ وَالْخَلَّاتِ وَمَا فَضَلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْسِمَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا؛ در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است، اندیشه کن و آن را به عیالمدان و گرسنگان اطرافت ببخش و به نیازمدان و مستمندانی که سخت به کمک مالی و

احتیاج‌دارند برسان». (نهج البلاغه، نامه ۶۷)

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «یکی از نکات مهم، وظیفه‌ی سنگین در باب خدمت رسانی است، که این وظیفه عمدتاً متوجه مسئولان دولتی است. خدمت رسانی به مردم کار اصلی ماست و بیش‌ترین کسانی که خدمت باید متوجه آنان باشد طبقه‌ی محروم و مظلوم و مستضعف جامعه‌اند که محتاج خدمتند. ما باید این خدمات را به آنان برسانیم این خود یک قدم بزرگ در راه ایجاد عدالت اجتماعی است». (۱۳۸۴/۰۶/۱۷).

خدمت رسانی صحیح مسئولان از آن جهت موجب ایجاد عدالت در جامعه می‌شود که آنان امکانات و قدرت‌های ملی را در اختیار دارد و به راحتی می‌تواند با برنامه ریزی‌های صحیح، امکانات را به همه‌ی آحاد جامعه به طور یکسان برساند.

آری، از مهم‌ترین اصولی که می‌تواند بر روند خدمت رسانی تاثیر بگذارد این است که آدمی بدانند از دیدگاه اسلام، ریاست‌ها و مسئولیت‌ها، راهی است برای خدمت به مردم، امام خمینی (رحمة الله علیه) به مسئولین درباره‌ی رعایت عدالت برای قشر محروم می‌فرماید: «دولت باید با تمام قدرت آن طوری که علی علیه السلام برای محرومین دل می‌سوزاند، دل بسوزاند برای محرومین... گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد». (خمینی، صحیفه امام، ۱۸/۱۵۹).

ایشان خود را وقف خدمت به مردم کرد تا جایی که فرمودند: «اگر به من خدمت‌گزار بگویند بهتر است از این‌که به من رهبر بگویند». (خمینی، صحیفه امام، ۱۲/۴۵۶).

نتیجه‌گیری

عدالت اجتماعی از جمله ارزش‌ها در اسلام، به شمار می‌رود و به این معنا است که آحاد مردم جامعه از غنی و فقیر در جهت بهره‌مندی از امکانات (آموزش، بهداشت، تغذیه، اشتغال و...) یکسان باشند و هیچ‌گونه تمایزی بین فردی از افراد جامعه وجود نداشته باشد. همان‌طور که امام راحل خود معتقد به عدالت اجتماعی و خواستار آن بوده‌اند، راهکارهایی نیز برای مردم و مسئولین برای برپایی عدالت در جامعه بیان کرده‌اند. از جمله راهکارها در رابطه با مردم در بعد فردی و اجتماعی عبارت‌اند از: توجه به تعالیم اسلام که زیر بنای آن تقواست؛ چرا که عدم تقوا در افراد عدم تمایل و عدم عدالت طلبی را نیز در بردارد. بنابراین طبق فرمایشات امام، مردم باید با تقوا و دین‌داری خود، خواهان عدالت اجتماعی در جامعه باشد و شعار بیزاری از ظلم و ستم را سرلوحه‌ی کار خود قرار دهند.

همان‌طور که در زمان انقلاب پیروزی، زمانی رخ داد که مردم به بلوغ فکری رسیده بودند و خواهان احیای حقوقشان شدند. باید صبر را در رأس کارها قرار گیرد تا این مهم در جامعه محقق شود. وقتی مردم این راهکارها را در خود پیاده کردند برای احیای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه نیز تلاش می‌کنند؛ زیرا یک وظیفه‌ی عمومی است؛ از جمله این اوامر و نواهی که مردم باید به آن عمل کنند انتخاب کارگزاران است؛ زیرا یکی از عوامل مهم برپایی عدالت اجتماعی در جامعه انتخاب صحیح است امام در این باره فرموده‌اند: «انتخاب درست مردم، جامعه را به سمت عدالت محوری می‌کشاند». در رابطه با مسئولین نیز راهکارهایی از جمله مبارزه با فقر، فساد، طبقاتی شدن جامعه و... وجود دارد که جامعه را به سمت عدالت محوری سوق می‌دهد.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ش.
۱. «اهداف حکومت»، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، سال ۱۳۸۷ش.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
 ۳. احمدی، جواد، «عدالت اجتماعی از منظر نهج البلاغه»، معرفت سال بیست و دوم - شماره ۱۸۴، ۱۳۹۲ش.
 ۴. استیری، اکرم، عدالت، چاپ دوم، قم، موسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۳ش.
 ۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سخن، بیتا.
 ۶. باقری، ولی الله، مستضعفان از دیدگاه اسلام، چاپ اول، بیجا، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴ش.
 ۷. ثواقب، جهانبخش، امام علی علیه السلام کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات.
 ۸. جمعی از نویسندگان، ابعاد خدمت رسانی، چاپ اول، قم، انتشارات سپهر اندیشه، ۱۳۸۲ش.
 ۹. جمعی از نویسندگان، ششمین گفتمان عدالت، قم، بوستان کتاب، ۱.
 ۱۰. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف، ج ۴، چاپ اول، بیجا، موسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵ش.
 ۱۱. خامنه ای، علی، عدالت اجتماعی و سازندگی در آینه مقام معظم رهبری، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت ۱۳۸۰ش.
 ۱۲. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ دوازدهم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۷ش.

۱۳. خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. خمینی، روح الله، گوهری که می ماند، چاپ هفتم، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت ۱۳۸۶ ش.
۱۵. خمینی، روح الله، ولایت فقیه، چاپ بیستم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، محقق / مصحح: خسروی حسینی، غلامرضا، تهران، مرتضوی، بیتا.
۱۷. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۶، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران، ج ۲، چاپ اول، انتشارات کیهان. قرائتی، محسن، ۱۴۱۴ق، دقایقی با قرآن، تهران مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، محقق: حسن خراسان، ج ۱۰، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۹. قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۱، قم، اسوه ۱۴۱۴ق.
۲۰. کوئن، بروس، ۱۳۷۶، مبانی جامعه شناسی، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی و رضا فاضل چاپ ششم، انتشارات سمت.
۲۱. کیخا، نجمه، ۱۳۸۸، «مفهوم و سازوکارهای تحقق عدالت اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضر الفقیه، ج ۱۲، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانیر، ۱۴۰۶ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، بی تا، تفسیر نمونه، تهران، ج ۱، دارالکتب اسلامی.
۲۵. نبوی، محمد حسن، ۱۳۷۸، مدیریت اسلامی، قم چاپ پنجم، مرکز انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی،

۲۶. هاشم العمیدی، ثامر، ۱۳۸۶، در انتظار ققنوس، بیجا، مترجم: مهدی علیزاده،

چاپ پنجم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.